

کیفر بدنی^(۱)

تدوین: شورای مشورتی در خصوص نحوه رفتار با بزهکاران (انگلستان)

مترجم: حمزه زینالی^(۲)

پیشگفتار مترجم:

پدیده مجرمانه همواره در نظم عمومی جوامع بشری ایجاد اختلال کرده است و اعمال مجازات و سزادهی برای ایجاد نظم و اعاده حیثیت از دست رفته جامعه، شناخته شده ترین رویکرد دستگاههای عدالت کیفری در برابر این پدیده به شمار می رود. نگاهی هرچند گذرا به سیر تاریخ تحولات کیفری نشان می دهد که جوامع مختلف در برابر ارتکاب بزه به طرق و شیوه های متفاوتی واکنش نشان می داده اند، طرق مقابله و نحوه برخورد هر جامعه تا حد زیادی به روان شناسی، جامعه شناسی، شرایط جغرافیایی خاص هر جامعه و درجه رشد یافتگی و اعتلای علمی و فکری مردمان آن مرز و بوم و نیز به اهدافی که هر نظام کیفری از تحمیل کیفر دنبال می کند، بستگی دارد. آنچه در این کنکاش

1- Corporal Punishment, Report of the Advisory council on the Treatment of offenders, presented to parliament by the secretary of state for the Home Department by command of Her Majesty, November 1960, LONDON, Her MAJESTY'S STATIONERY OFFICE, Reprinted 1961, pp 1-28

گزارش فوق به پیشنهاد و تحت نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی در چهارچوب درس تاریخ حقوق کیفری (نیمسال اول سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰) در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ترجمه و ارائه گردید.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخی جلب توجه می‌نماید، متغیر و متحول بودن این شیوه‌ها و ابزارها در جوامع مختلف در طول زمان است، به خصوص که امروزه حقوق کیفری از حالت انتزاعی و ذهنی‌گرایی صرف خارج گردیده و در پرتو یافته‌های جرم‌شناختی و علمی دیگر به سمت عینیت و واقعیت‌گرایی در برخورد با پدیده مجرمانه گرایش پیدا کرده است و در سازماندهی امر جرم‌انگاری و مبارزه و پیشگیری از بزهکاری از نتایج داده‌های پژوهشها و مطالعات کیفرشناختی و جرم‌شناختی استفاده می‌نماید، این ابزارها و شیوه‌های برخورد امروزه بر اساس یافته‌های فوق، بیشتر در معرض تغییرات و تحولات قرار گرفته‌اند.

متنی که پیش رو دارید ترجمه و تلخیص گزارشی در خصوص بررسی و تحلیل جرم‌شناختی و کیفرشناختی یکی از انواع کیفرهای بدنی یعنی، مجازات شلاق، است که به تاریخچه این کیفر، علل حذف آن از «زرادخانه کیفری» انگلستان، بحث و بررسی پیرامون دلایل موافقین و مخالفین آن و مشکلات و ملاحظات عملی که به خاطر اعمال آن به وجود می‌آید، می‌پردازد.

امید است که این ترجمه بتواند از نظر مطالعات تطبیقی در زمینه کیفرشناسی مفید و قابل استفاده باشد و نیز فتح بایی برای تحقیقات و بررسیهای جرم‌شناختی و کیفرشناختی انواع مجازاتها در حقوق کیفری موضوعه ایران و تهیه بیان یا ترازنامه‌ای از میزان موفقیت و شکست آنها در رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده، باشد.

آنچه به نظر مهم می‌آید این نکته است که بی‌توجهی به نتایج تحقیقات و مطالعات علمی و تجربه‌های سودمند کشورهای پیشگام و پیشرفته در امر مبارزه و پیشگیری از بزهکاری و اتکای به راهبردهای انتزاعی و ذهنی‌گرایانه و دوری جستن از عینیت و واقعیت‌گرایی، حقوق کیفری هر کشوری را می‌تواند با بحرانهای جدی در تمام زمینه‌ها مواجه سازد.

مقدمه:

در ژانویه ۱۹۶۰، به دنبال تقاضاهایی برای وضع دوباره و احیای تنبیه بدنی، وزارت کشور انگلستان از طرف پارلمان مأموریت یافت تا در مورد این موضوع که آیا دلایلی برای وضع دوباره انواع مختلف تنبیه بدنی به عنوان کیفر بدنی قضایی برای هر سنی از

جرایم و مجرمین وجود دارد یا نه، بررسی و تحقیقاتی را صورت دهد. وزارت کشور نیز در این راستا بررسی مسأله فوق را به کمیته‌ای متشکل از قضات عالی رتبه و اساتید دانشگاه و سایر متخصصین امر، واگذار می‌نماید و کمیته - که شورای مشورتی در خصوص نحوه رفتار با مجرمین نام می‌گیرد - را نسبت به دو نکته که، اولاً حمایت قابل ملاحظه‌ای در پارلمان و در کل کشور نسبت به وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی (در قالب کیفر شلاق) به وجود آمده و از طرف دیگر به همان نسبت بیان می‌شود که انواع جدید جرم از سال ۱۹۴۸ به بعد که تنبیه بدنی قضایی الغاء گردید، افزایش یافته است، واقف نمود. وزارت کشور نیز به شورای فوق مأموریت می‌دهد تا بررسی جدیدی را بر روی این موضوع برای روشن شدن تمایلات و عقاید رایج بعد از جنگ جهانی دوم نسبت به طرز برخورد با جرایم و مجرمین انجام دهد.

شورای مشورتی برای بررسی مسأله تشکیل می‌گردد و دست به تحقیقات و بررسی گسترده‌ای در این زمینه می‌زند. در ارتباط با سابقه تحقیق در این زمینه شورا تجربه و گزارش کمیته پژوهش درباره تنبیه بدنی (کمیته کادگان)^(۱) را که در سال ۱۹۳۷ در مورد مسأله فوق شروع به کار کرده و در سال ۱۹۳۸ نتایج بررسی خود را گزارش داده بود و اصولاً نتایج تحقیقات جامع و کامل شورای فوق منجر به حذف تنبیه بدنی قضایی در سال ۱۹۴۸ شده بود، پیش روی خود داشت و در ضمن بررسی مسائل جدید از آن الگوبرداری نموده و فراوان بهره برده است.

شورا پس از بررسی و تحقیقات گسترده و در ضمن گزارشی که ارائه می‌دهد، ابتداءً اشاره‌ای دارد به تاریخچه تنبیه بدنی قضایی در انگلستان و ولز و همچنین به سابقه تحقیقات و بررسیها و نتایج حاصل از آن می‌پردازد و سپس به دلایل و شواهدی که پیش روی شورا و محدودیتها و مشکلاتی که با آن مواجه بود، اشاره‌ای می‌نماید. شورا در گزارش خود متذکر می‌شود به دلیل این که امروزه افراد کمی هستند که بتوانند از تجربه

شخصی اخیر خود نسبت به اثرات تنبیه بدنی بر روی خودشان و هم بر روی دیگران سخن بگویند، فلذا شورا شواهد زیادی مبتنی بر تجربه مستقیم ندارد و در این زمینه از نتایج کمیته کادگان استفاده می‌نماید. دلایلی که شورا از آنها در تهیه این گزارش بهره جسته است در دو سطح مختلف می‌باشد، اولاً: دلایل واقعی و تجربی که شامل دلایل آماری که خود متضمن آمار جرایم و سوابق افرادی است که در گذشته مجازات شلاق را تحمل نموده‌اند و دلایل پزشکی که نظریات روان‌پزشکها راجع به تأثیر این مجازات بر روی افراد مختلف را در برمی‌گیرد و دلایلی از تجربه سایر کشورها می‌باشد که شورا در این بررسی از آنها کمک گرفته است. ثانیاً: دلایل غیرتجربی که شامل نظریات و عقاید سازمانها و اشخاصی بود که می‌توانستند دلایلی از انواعی که در بالا بیان شده به شورا بدهند و همچنین عقایدشان می‌توانست در بررسی مسأله تنبیه بدنی کمک ویژه‌ای به شورا بکنند. در این راستا شورا دعوت نامه‌ای را برای اعضای پارلمان و نامه‌هایی را برای مدیران مسؤول روزنامه‌ها، مجلات و اشخاص و سازمانهای خصوصی برای ارائه نظریاتشان فرستاد و همچنین از نظریات کارگزاران دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس، قضات دادگاههای عالی و تالی، مأمورین زندانها و مسؤولین دارالتأدیب و ادارات پرویشن، استفاده نمود. نتیجه آن تا پایان اکتبر ۱۹۶۰ به طور کلی نزدیک به ۳۵۰۰ نامه و سایر پیشنهادهایی بود که شورا دریافت نموده بود.

اتفاق آرای کلی مابین طرفهای مکاتبه و شهود این بود که اگر تنبیه بدنی قضایی^(۱) (شلاق) دوباره وضع شود باید برای طیف وسیعی از جرایم (بویژه جرایم خشونت‌آمیز) در مقایسه با قبل از الغاش در سال ۱۹۴۸ و حتماً نسبت به اطفال محکوم به هر جرمی، قابل استفاده باشد. همچنین دادگاهها می‌توانند بنا به صلاحدید و تشخیص خودشان

۱- شورا بدین دلیل از اصطلاح تنبیه بدنی قضایی استفاده می‌نماید که حیظه بحث خود را به تنبیه بدنی که توسط دستگاه عدالت کیفری اعمال می‌شود، محدود نماید، هرچند شورا در گزارش خود به موضوع تنبیه بدنی در زندان، خانه و مدارس اشاره می‌نماید اما متذکر می‌شود که موضوعات فوق تماماً هیچ ارتباطی به نتایج گرفته شده توسط شورا نسبت به تنبیه بدنی قضایی نداشته و خارج از محدوده موضوع مورد بحث شورا هستند. (مترجم)

تنبیه بدنی را بر بازداشتن یک مجرم جوان قبل از این که او تا حد زیادی به سمت بزهکاری گرایش پیدا نماید استفاده کنند. دلایل کسانی که از اعمال تنبیه بدنی نسبت به اطفال (منظور آنها گروه‌های سنی ۱۴ تا ۱۷ و ۱۷ تا ۲۱ سال بود) حمایت می‌کردند؛ این بود که روشهای فعلی برخورد با مجرمان جوان شکست خورده‌اند، آنها بیان نمودند که مسأله فوق با مشاهده افزایش مستمر جرم و تکرار جرم اطفال نمایان شده است. بویژه عده‌ای به جوانان بی‌رحم، پرطاعت و خودخواهی که امروزه به اتهام ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز در دادگاه حاضر می‌شوند و با اطفالی که دادگاهها در حال حاضر هیچ ابزار رضایت بخشی برای برخورد با آنها ندارد، اشاره نمودند.

بسیاری از کسانی که موافق وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی هستند، نظریاتشان را به وسیله استثنائاتی، محدود نموده‌اند، برخی اظهار کرده‌اند که تنبیه بدنی قضایی باید فقط قابل اعمال برای مجرمان بدون سابقه باشد و برخی دیگر بیان نموده‌اند که باید برای مجرمانی که برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند و جرایم متعاقب، استفاده شود. عده‌ای دیگر معتقداند که تنبیه بدنی قضایی (شلاق) نباید برای مجرمان بدون سابقه قابل استفاده باشد، بلکه فقط بر آنهایی تحمیل گردد که مرتکب جرایم مکرر، شده‌اند سایر مجازاتها بر او تحمیل گردیده یا اخطار مخصوص قبل از اجرای تنبیه بدنی بعد از ارتکاب جرم اول به او داده شده باشد. همین طور عده‌ای بر این عقیده‌اند که تنبیه بدنی قضایی باید به عنوان جایگزینی برای مجازات زندان یا محکومان به یک دوره نگهداری در دارالتأدیب [البته برای اطفال.م] باشد. برخی دیگر پیشنهاد نموده‌اند که این مجازات باید به عنوان یک ضمانت اجرای نهایی^(۱) [آخرین حربه.م] تلقی گردد و فقط هنگامی که سایر شیوه‌های برخورد کیفری آزموده شده و در کنترل و پیشگیری از جرم ناتوان شدند، استفاده شود.

آنچه بدیهی می‌نماید این نکته است که اختلاف عقیده قابل ملاحظه‌ای درباره

1- the ultimate sanction.

جنبه‌های مختلف احیای دوباره تنبیه بدنی قضایی (شلاق) بین بخشهای مختلف جامعه و همچنین به همین نسبت اختلاف عقیده درباره این موضوع در درون بخشهای خاص جامعه وجود دارد.

شورا با توجه به دلایل و نظریاتی که پیش روی خود داشت و به طور اختصار به آنها در بالا اشاره شد، گزارش نهایی خود را تنظیم می‌نماید و در این گزارش ابتدا به تاریخچه کیفر شلاق در انگلستان و نیز به سابقه بررسی و تحقیقات علمی در زمینه این کیفر و استفاده از آن در سایر کشورها می‌پردازد و در ادامه به بررسی جرم شناختی و کیفرشناختی با عنوان تنبیه بدنی قضایی و شیوع جرم و رابطه آن با شیوه‌های برخورد کیفری مدرن می‌پردازد و در ادامه به ملاحظات عملی و مشکلاتی که در صورت وضع دوباره این کیفر می‌تواند به وجود بیاید اشاره کرده و با آوردن نتیجه‌گیری از مباحث، گزارش خود را به پایان می‌رساند. در پایان نیز شورا به این نکته اشاره دارد که به علت اضطراری که برای ارائه سریع این گزارش داشتیم مقدار زیادی از این بررسی تحت شرایط اضطراری انجام شده است بنابراین در همه جنبه‌ها این گزارش نمی‌تواند جامع و کامل باشد.

۱- تاریخچه تنبیه بدنی قضایی، سابقه پژوهشی و استفاده از آن در سایر کشورها
در این قسمت ابتدا با استفاده از گزارش شورا به اختصار به سیاست تقنینی و قضایی اعمال شده نسبت به کیفر شلاق در انگلستان و ولز تا سال ۱۹۴۸ (یعنی زمان الغای آن) در مورد بزرگسالان و اطفال و نوع جرایم ارتكابی خواهیم پرداخت و سپس به بررسی سابقه تحقیقات انجام شده در این زمینه در انگلستان می‌پردازیم که در این راستا به گزارش کمیته پژوهش در مورد تنبیه بدنی (کمیته کادگان) و نتایج حاصل از این تحقیق به طور اختصار اشاره خواهیم نمود و در پایان نیز به استفاده از تنبیه بدنی در سایر کشورها می‌پردازیم.

قانون و رویه دادگاهها تا سال ۱۹۴۸

شورا در گزارش خود بیان می‌دارد که بسیاری از مردم به غلط تصور می‌کنند که قبل از الغای تنبیه بدنی در سال ۱۹۴۸، این کیفر برای جرایم متنوعی قابل استفاده بوده و به طور وسیعی استفاده می‌گردید. تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی در عمل برای بزرگسالان در انگلستان در سال ۱۸۶۱ تقریباً الغا گردید. بعد از این سال تنبیه بدنی فقط برای مردان شرور که به موجب قانون ولگردی مصوب ۱۸۲۴ محکوم می‌شدند و نیز افرادی که برای صدور حکم و تعیین مجازات به خاطر سوء قصد به پادشاه، ارتکاب برخی اعمال علیه یک سفیر و خدمتکارانش و به خاطر کشتار بی‌رویه و خلاف قاعده اسبها و احشام به محاکم کرترشنس^(۱) اعزام می‌شدند، اجرا می‌شد. در سال ۱۸۶۳ قانون مربوط به راهزنان «آدم خفه کن»، تنبیه بدنی را برای راهزنی همراه با خفه کردن افراد (یعنی تلاش برای خفه کردن یا اختناق به خاطر تسهیل ارتکاب یک جرم قابل بازداشت) و سرقت توأم با خشونت، دوباره برقرار ساخت. در سال ۱۸۹۸ این کیفر برای مردان متهم به امرار معاش از طریق درآمد نامشروع یا به اتهام دعوت افراد برای مقاصد غیراخلاقی و نیز در سال ۱۹۱۲ برای واسطه‌گری به خاطر مقاصد خلاف اخلاق، دوباره برقرار گردید. در هیچ دوره‌ای از سال ۱۸۶۱ به بعد، تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی برای جرایمی که امروزه، به طور خاص وضع دوباره این مجازات برای آنها خواستار می‌شود (یعنی جرایم خشن و جنسی) قابل اعمال نبوده است.

در اواسط قرن نوزدهم کاهش قدرت دادگاهها نسبت به تحمیل تنبیه بدنی قضایی برای بزرگسالان، نسبت به اطفال تسری پیدا نمی‌کرد، بدین علت که تنبیه بدنی به عنوان جایگزینی معتبر برای حبس، که در آن موقع تقریباً تنها شکل دیگر مجازات قابل استفاده بود، تلقی می‌گردید. دادگاهها اختیار صدور حکم به «ترکه زدن» اطفال زیر ۱۲ سال را که

۱- (quarter sessions) محکمه‌ای بود که صلاحیت رسیدگی به امور جنایی و استینافی را داشت، اما به لحاظ مدنی، صلاحیت محدودی داشته و همچنین به جرایمی که احتمال داشت مرتکب آن، محکوم به حبس ابد یا اعدام شود، رسیدگی نمی‌کرد. این محکمه با گردهمایی فصلی قضات صلح تشکیل می‌گردید. (مترجم)

به طور اختصاری به خاطر ارتکاب هر جرم قابل حبس، مجرم شناخته می شود یا اطفال زیر ۱۶ سال را که به خاطر ارتکاب پاره‌ای جرایم علیه اشخاص، دزدی و خسارت شیطنت‌آمیز یا جنایتی دیگر مجرم شناخته می شدند، حفظ نمودند.

اگرچه قانون مربوط به تنبیه بدنی از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۴۸ بدون هیچ گونه تغییری باقی ماند، این مجازات به ندرت آن هم برای طبقه محدودی از جرایم که هنوز قابل استفاده بود، تحمیل می گردید^(۱) تنبیه بدنی قضایی در واقع برای بزرگسالان منحصرأً به خاطر سرقت توأم با خشونت و سپس برای بخش کوچکی از چنین جرایمی تحمیل می شد. نسبت به اطفال تقریباً استفاده از تنبیه بدنی از سال ۱۹۳۸ از بین رفت، تجربه زیاد دادگاههای اطفال در استفاده از این مجازات ظاهراً این نکته را آشکار نمود که سایر شیوه‌های در دسترس برای اطفال مؤثرتر از تنبیه بدنی هستند.

سابقه پژوهشی مسأله

یکی از سوابق تحقیقی که شورا، در ارتباط با موضوع تنبیه بدنی پیش روی خود داشت بررسی بود که بر روی مسأله فوق به طور کامل توسط کمیته پژوهشی در مورد تنبیه بدنی (کمیته کادگان) صورت گرفته بود، این کمیته در ماه می سال ۱۹۳۷ شروع به کار نمود و در فوریه سال ۱۹۳۸، نتایج بررسی خود را، گزارش داد.

کمیته فوق با رد بازدارندگی عام و خاص کیفر شلاق [که ما در قسمتهای بعدی به آن مسأله خواهیم پرداخت] نتیجه بررسیهای خود را چنین بیان می کند که: «ما مجموعه‌ای از واقعیات و شاخصهایی که نشان بدهد وضع کیفر شلاق موجب کاهش تعدادی از جرایم به [دلیل این که ممکن است تحمیل گردد تهدید بالقوه]، نتوانستیم پیدا کنیم، یا جرایمی که کیفر شلاق برای آنها قابل استفاده است، زمانی که استفاده کمی از این

۱- تفسیر قوانین و مقررات حقوق جزا در زمان و مکان متغیر است. عملکرد متفاوت دادگاهها، اجرای متفاوت قوانین به وسیله قضات، و نتیجه تنوع سیاستهای جنایی قضایی که فقط به وسیله قوانین و مقررات حقوق جزا تعیین نمی شوند، طی مطالعات زیادی بیان شده است. و در مسأله فوق نیز شکاف و تضاد بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی کاملاً مشهود است. (برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک به: کریستین لازرز، سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر بلد، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵).

مجازات می‌شود، ارتکاب آنها افزایش پیدا می‌کند یا زمانی که از اختیار تحمیل مجازات شلاق مکرراً استفاده می‌شود، ارتکاب آنها کاهش می‌یابد. ما مجاب نشدیم که تنبیه بدنی به عنوان یک عامل بازدارنده می‌تواند مؤثر واقع شود، امری که معمولاً توسط اشخاصی که از به کارگیری آن برای مجرمان بزرگسال حمایت می‌کنند. به عنوان عمده‌ترین توجیه تنبیه بدنی ایراد می‌شود».

کمیته کادگان درباره‌ترکه زدن اطفال نیز به نتایج مشابهی رسید و بنا به دلیل فوق آنها پیشنهاد کردند که استفاده از تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی باید کاملاً کنار گذاشته شود.

استفاده از تنبیه بدنی در سایر کشورها

شورا در بررسی خود در این زمینه به نوسازی اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کمیته کادگان می‌پردازد به خاطر این که کمیته کادگان جزئیات زیادی از اطلاعات مفید درباره‌ قانون و رویه تعدادی از کشورهای خارجی و مشترک‌المنافع [در مورد تنبیه بدنی قضایی که اغلب آنها این مجازات را الغاء کرده‌اند] جمع‌آوری نموده بود و شورا به این نتیجه رسید که تغییرات مهمی در قانون و رویه این کشورها ایجاد نشده است، جز این که در بسیاری از کشورهایی که هنوز تنبیه بدنی را حفظ کرده‌اند، جرایمی که تنبیه بدنی برای آنها قابل استفاده است بسیار محدود شده و آن در هر صورت بندرت استفاده می‌شود. و این کیفر در هیچ یک از کشورهایی که آن را الغاء کرده‌اند دوباره وضع نگردیده است و هیچ گونه درخواست جدی عمومی برای وضع دوباره آنها در این کشورها وجود ندارد و به نظر می‌رسد که الغای این مجازات هیچ تأثیری بر روی کاهش یا افزایش تعداد جرایم ارتكابی نداشته است.

۲- تنبیه بدنی و شیوع جرم

افزایش جرم

نگرانی در مورد افزایش جرایم علت اصلی درخواست وضع دوباره کیفر شلاق

می‌باشد و طرفداران این کیفر معتقداند که ارتکاب انواع جرایم، از جمله جرایم خشونت‌آمیز بویژه آنهایی که توسط جوانان اوباش صفت و شرور (*hooligans*)، ارتکاب می‌یابند، بعد از الغای تنبیه بدنی قضایی در سال ۱۹۴۸، افزایش یافته است. بدیهی است که شیوع این نوع جرایم نگرانیهای گسترده‌ای به وجود آورده است.

شورا در پاسخ به نظریه فوق بیان می‌دارد که هرچند از سال ۱۹۴۸ به بعد نوساناتی در تعداد انواع جرایم ارتكابی وجود داشته است، بویژه ارتكاب جرایم خشونت‌آمیز افزایش یافته است، اما افزایشها به همان زیادی آمارهای اظهار شده نیستند، مردم امروزه در مقایسه با گذشته نسبت بالایی از جرایم را گزارش می‌دهند، بعلاوه قبل از جنگ جهانی دوم شیوع جرایم خشن به نسبت جمعیت کشورهای درگیر جنگ پایین بود و به هر جهت در دوره‌ای که جنگ نبود به نظر می‌رسید که گسترهٔ افزایش و ارقام، زیاد بالا نباشد. در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ معدل سالانهٔ جرایم قابل تعقیب خشن علیه اشخاص که به پلیس اطلاع داده شده، ۲۳۷۰ فقره بود. در سال ۱۹۵۹ این رقم به ۱۳۸۷۶ فقره جرم رسید. رقم فوق‌الذکر ۳/۴۷ فقره جرم را در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت بالای هشت سال نشان می‌دهد^(۱)

تنبیه بدنی به عنوان یک بازدارنده

الف - بازدارندگی عام

آنهایی که حامی وضع دوبارهٔ تنبیه بدنی قضایی هستند، این واقعیت صرف را ادعا می‌کنند که اگر تنبیه بدنی قضایی قابل استفاده بود می‌توانست بسیاری از مجرمان بالقوه، بویژه اشخاصی را که ممکن است مرتکب جرایم خشونت‌آمیز شوند از ارتكاب جرم باز دارد و آنها در واقع افزایش جرایم خشونت‌آمیز علیه اشخاص را به الغای این مجازات

۱- شورا همچنین در این قسمت به تضادی که در برداشت مردم از جرایم خشن و آنچه که در مجله‌های سالیانهٔ آمار جنایی انگلستان و ولز در زیر مجموعه جرایم خشن طبقه‌بندی می‌شوند، اشاره می‌کند و نیز با ضمیمه‌های D و C گزارش در مورد آمارهای مربوط به جرایم خشن از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۹ و به ضمیمه E در مورد تجزیه تحلیلهای آمار سالهای ۱۹۳۸، ۱۹۴۹، و ۱۹۵۹ مربوط به ارقام انواع سرقت و سرقت توأم با خشونت به طور خاص، اشاره دارد.

نسبت می دهند.

اما آنها با استدلال فوق، این واقعیت را که افزایش مشابهی در قبل و بعد از سال ۱۹۴۸ در تعداد جرایم ارتكابی وجود داشته است و این که کیفر شلاق برای همه جرایم خاص قابل استفاده نبود، نادیده می گیرند. تعداد سرقت‌های اطلاع داده شده به پلیس به طور مداوم در طی و بعد از جنگ از ۲۸۷ نفر در سال ۱۹۳۸ به ۱۱۰۱ نفر در سال ۱۹۴۸ افزایش یافت. علی‌رغم این واقعیت که در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ [تردیدی در این نکته که نوعی عدم تمایل به فرستادن مردان جوان به زندان در زمان جنگ وجود داشته است، وجود ندارد]، ۱۹۴۶ و ۱۹۴۸ ارقام نزول کرد. اما در این نکته که جرایم خشن حرکت صعودی داشتند اختلافی وجود ندارد. تا سال ۱۹۵۷ تعداد سرقت‌های توأم با خشونت [این نوع جرم، تنها جرمی است که در انگلستان قبل از الغای کیفر شلاق، به طور مدام نسبت به مجرمان اعمال می‌گردید] به همان نسبت سال ۱۹۴۸ در سطح پایین باقی ماند. این کاهش تعداد جرایم به خاطر تعدادی از عوامل بوده است. برای مثال، در آن سالها دادگاهها مجازاتهای حبس طولانی‌تری را تحمیل می‌کردند و این امر می‌تواند یک عامل بازدارنده باشد. ما نمی‌توانیم آمارهای موجود را به عنوان مبنایی برای نتیجه‌گیری ثابت در مورد تأثیر بازدارنده تنبیه بدنی تلقی نماییم اما به هر حال آمار بیان می‌کند که تنبیه بدنی قبل از الغاش عامل مؤثر بازدارنده ویژه‌ای نبوده است و نشان می‌دهند که الغاء تنبیه بدنی سبب افزایش جرایمی که تنبیه بدنی قبلاً برای آنها تحمیل می‌گردید، نشده است. همان طور شورا نسبت به تأثیر بازدارندگی این مجازات نسبت به دیگران تردید دارد و بیان می‌دارد که آیا مجرمان زیادی به خاطر ترس از مجازات خاصی که اگر آنها گرفتار شوند بر آنها تحمیل خواهند شد از ارتكاب جرم پشیمان شده‌اند، مجرمان در هنگام ارتكاب جرم انتظار ندارند که دستگیر شوند، تأثیر بازدارندگی احتمالاً مبتنی بر تمام اطلاعاتی است که دارند.

ب - بازدارندگی خاص

همچنین در حمایت از وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی استدلال شده است که اغلب

آنهايي که اين مجازات را دريافت نموده‌اند، به سبب تحميل اين کيفر هرگز دوباره مرتکب جرم نشده‌اند.

برای بررسی صحت و سقم نظريه فوق کمیته کادگان سوابق ۴۴۰ مرد محکوم به ارتکاب سرقت توأم با خشونت بين سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ را بررسی کردند و سوابق بعدی آنهايي که شلاق زده شده‌اند با سوابق بعدی آنهايي که شلاق نخورده‌اند مقایسه نمودند. آنها به اين نتیجه رسیدند که مجازاتهای حبس و زندان با اعمال شاقه بدون شلاق زنی در بازدارندگی مجرمان از ارتکاب مجدد سرقت توأم با خشونت و به همان نسبت راجع به ارتکاب جرایم بعدی دیگر در مقایسه با مجازاتهای حبس و زندان با اعمال شاقه توأم با شلاق، تأثیر کمتری نداشته است. آنها دریافتند اشخاصی که شلاق زده شده‌اند بیشتر شامل اشخاص بدون سابقه محکومیت قبلی به جرایم شدید هستند، که سوابق بعدی آنها در مقایسه با اشخاصی که شلاق نخورده‌اند، بدتر بود.

شورا با الگوبرداری از کمیته کادگان از واحد تحقیق وزارت کشور درخواست نمود تا انجام تجزیه و تحلیل مشابهی را بر روی پرونده‌های اشخاصی که محکوم به ارتکاب جرایم مشابهی در طی سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۸ شده‌اند، انجام بدهد و به وسیله سه بررسی جداگانه تجزیه و تحلیل پرونده‌های ۳۰۲۳ نفر محکوم، تحقیق فوق تکمیل گردید. بررسیهای انجام شده بعدی نیز نتایجی مشابه نتایج تحقیقات کمیته کادگان را نشان دادند، این تحقیقات نتایج گرفته شده به وسیله کمیته کادگان را مبنی بر اینکه تفاوت اندکی مابین سوابق بعدی مردانی که شلاق زده شده‌اند و آنهايي که شلاق نخورده‌اند وجود دارد، تأیید نمودند. در واقع سوابق بعدی آنهايي که شلاق نخورده‌اند مقداری بدتر از آنهايي بود که شلاق نخورده‌اند. به هر حال هر نتیجه‌گیری قطعی بر مبنای آمار می‌تواند اشتباه باشد. این واقعیت که مردان شلاق زده شده، سوابق بعدی بدتری در مقایسه با آنهايي که شلاق نخورده‌اند، داشتند، ضرورتاً بیانگر این نکته نیست که شلاق اثری قطعی بر این امر داشته است، زیرا مسأله فوق احتمالاً به خاطر سوابق بدی که داشته‌اند بوده است و این موضوع تأثیر بدی بر روی دادگاهها گذاشته است که سبب

گردیده تا دادگاهها به محکومیت آنها به تنبیه بدنی رأی بدهند، علاوه بر این مشهور است که برخی قضات در مقایسه با قضات دیگر از این مجازات استفاده بیشتری می‌کنند، به طوری که دریافت این مجازات توسط یک مجرم به مقدار زیادی بستگی به قاضی دارد که او را پیش وی می‌برند. در واقع ارقام می‌تواند نشان بدهد که چگونه دادگستری، تنبیه بدنی را بیشتر از تأثیراتی که این مجازات دارد، نسبت به مجرمین تحمیل می‌نماید. بنابراین دلیل آماری نسبت به این جنبه از بازدارندگی، یعنی بازداشتن بعدی افرادی که تنبیه بدنی قضایی را دریافت نموده‌اند بیانگر این مسأله است که تأثیر بازدارندگی آن نسبت به محکومین بیشتر از تأثیر بازدارندگی آن نسبت به سایر افراد نیست. [یعنی بازدارندگی خاص، کیفر شلاق بیشتر از بازدارندگی عام آن نمی‌باشد].

ج - تأثیر روانی شلاق^(۱)

یکی از دلایلی که در ارتباط با بررسی تنبیه بدنی پیش روی شورا قرار داشت، دلایل پزشکی مربوط به این کیفر بود که از روان‌پزشکها دریافت نموده‌اند و به تأثیر روانی تنبیه بدنی بر روی مجرمان مربوط می‌شود، از آنجا که مهمترین تأثیر روانی تنبیه بدنی، بازدارندگی خاص و عام آن می‌باشد. ما بررسی این مسأله از نظر پزشکی و روان‌پزشکی را به خاطر اهمیت بحث به عنوان بحث مستقلی به طور خلاصه توضیح می‌دهیم.

علل متفاوتی می‌توانند موجب بزهکاری شوند، مفهوم مدرن درمان و اصلاح مجرمان این است که در حالی که با مجازات عنصر ضروری بازدارندگی حفظ می‌گردد، در همان حال مجازات باید شیوهایی باشد که بهترین شانس موفقیت، یعنی؛ بازداشتن شخص مجرم از ارتکاب مجدد جرم را داشته باشد، بنابراین طرق برخورد با مجرمان باید براساس علل بزهکاری در مسیری که در آن نسبت به افراد مختلف با شیوه‌های خاص واکنش نشان داده می‌شود، تعیین شوند.

براساس نظریات و تحقیقات روان‌پزشکها، طبقه بندی وسیعی از انواع شخصیت در

۱- عنوان فوق در گزارش نیامده و شورا با انتخاب عنوان (دلایل پزشکی) به مسأله تأثیرات روانی کیفر شلاق پرداخته است. (مترجم)

بین مجرمان وجود دارد و چنین افرادی از سنخهای مختلف شخصیتی در برابر تحمیل تنبیه بدنی قضایی به طرق متفاوتی واکنش نشان خواهند داد. بسیاری از مجرمان کم سن و سال از خانواده‌های بی‌ثبات و متلاشی شده هستند، و بسیاری از آنها با زمینه خشونت پیوسته و مستمر در خانواده و محیط اطرافشان پرورش یافته‌اند. برخی از مجرمان جوان نسبت به کتک خوردن از والدینشان آن هم نه بعضی اوقات و به عنوان شیوه‌ای برای اصلاح و تنبیه به خاطر خطای خاص، بلکه بارها و یکسره به عنوان امری عادی و طبیعی، معتاد می‌شوند. چنین اطفالی که به سمت خشونت می‌روند بیشتر به خاطر این است که آن را به عنوان جزء طبیعی و قبول شده زندگی تلقی می‌کنند، آنها تردیدی در استفاده از خشونت به خود راه نمی‌دهند، تنبیه مفرط غالباً خشونت‌زاست؛ به همین خاطر این اطفال به قدری با خشونت مأنوس شده‌اند که ترسی از این موضوع که خشونت ممکن است بر روی آنها صورت بگیرد به خود راه نمی‌دهند.

شورا همچنین دلایل قابل توجهی به دست آورده است مبنی بر این که، در حالی که برخی از مجرمان در برابر اعمال تنبیه بدنی قضایی واکنش نشان خواهند داد و از اعمال آن هیچ تأثیری نامطلوبی را متحمل نمی‌شوند، برعکس برخی دیگر از مجرمان عمده‌اً از اعمال چنین مجازاتی آسیب خواهند دید. به طور کلی، اشخاصی که دارای تحمل بالایی هستند کمتر از تحمیل چنین مجازاتی اگر به طور یکسان برای همه اعمال شود، صدمه خواهند دید، لیکن برای افراد مقاوم، سایر اشکال مجازات احتمالاً مشابه سایر افراد می‌تواند مؤثر واقع شود، همان طوری که آنها توانایی پیش بینی نتایج رفتارهایشان را دارند، آنها به وسیله خطر دریافت تنبیه بدنی قضایی بیشتر از خطر وجود مجازات حبس یا دریافت برخی مجازاتهای مشابه، از ارتکاب جرم بازداشته نخواهند شد و همان قدر توانایی آنها برای آگاهی از تجربه شکلی از مجازات در صورت ارتکاب مجدد جرم به نسبت اطلاع آنها از سایر اشکال مجازات می‌تواند بازدارنده باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که برای چنین اشخاصی تحمیل تنبیه بدنی قضایی غیرضروری است. از سوی دیگر افرادی که دارای شخصیتی متفاوت در مقایسه با افراد عادی هستند، گفته می‌شود

بر اساس انگیزش ناگهانی بدون تفکر دربارهٔ نتایج احتمالی که از رفتارشان حاصل خواهد شد، رفتار می‌کنند یا برخی از آنها انگیزه دیرینه یا داعی ثابتی برای پذیرش هر نوع خطری را که ممکن است از اعمالشان ناشی شود، دارند، بنابراین آگاهی از این که تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی در صورت ارتکاب جرم قابل استفاده می‌باشد آنها را از ارتکاب جرم باز نخواهد داشت و اگر این کیفر را دریافت کنند هیچ سودی از تحمیل آن بر آنها مترتب نیست. در بسیاری از موارد آنها ممکن است به طور دائمی صدمه ببینند و حقیقتاً ممکن است در اثر این که مضروب و فرسوده شده‌اند، مرتکب جرایم بیشتری بشوند، دلایل پزشکی در این نکته متفق‌القول‌اند که اگر شخص دارای عنصر ذاتی از رنجش یا خشم در ساختمان بدنش باشد، تحمیل تنبیه بدنی قضایی حال او را بدتر از قبل خواهد کرد. او متمایل به تندوی و تلخی و بی‌میلی خواهد شد و بنابراین بیشتر از زمانی که تنبیه بدنی بر او تحمیل نشده بود، متمایل خواهد شد به این که در مسیری ضداجتماعی گام بردارد، بویژه سنخ پرخاشگر نوجوانان اغلب منتظر برخورد خشونت‌آمیز هستند تا با خشونت عکس‌العمل نشان دهند، اگر با شیوه‌های اصلاحی با یک نوجوان برخورد نمایند او ممکن است در جهت بهبودی یا پیشرفت مداوم تلاش نماید. تعداد زیادی از نوجوانان از وجود چنین مجازاتی بسیار می‌ترسند، ولی خطر تحمیل چنین مجازاتی را خواهند پذیرفت و از این مجازات به عنوان ابزاری برای نشان دادن این که آنها افرادی بی‌مانند و مقاوم هستند و همچنین آنها قدرت پذیرش چنین مجازاتی را دارند، استفاده می‌کنند. علاوه بر این به منظور حفظ موقعیتشان در بین همسالان خود بسیاری از کسانی که تنبیه بدنی قضایی (شلاق) بر آنها تحمیل گردیده، ممکن است مرتکب جرایم بیشتری بشوند تا نشان بدهند که به خاطر اعمال تنبیه بدنی مرعوب نشده‌اند.

۳- رابطه تنبیه بدنی با شیوه‌های برخورد کیفری مدرن

یکی از اهداف بنیادین هر شکل از برخورد کیفری اصلاح اشخاص مجرم است.

بنابراین بررسی این موضوع که آیا تنبیه بدنی قضایی به این هدف نایل خواهد شد یا نه، ضروری است.

بسیاری از طرفهای مکاتبه شورا معتقد بودند که تنبیه بدنی قضایی می‌تواند اصلاحی باشد، لیکن دلایلی که شورا دریافت نموده است نشان می‌دهند که تنبیه بدنی حتی به اصلاح مجرمانی که دارای شخصیت‌های عادی هستند، منجر نمی‌شود. این مجازات صرفاً مجرم را با رنجی که او به خاطر ارتکاب جرم پرداخته است؛ رها می‌کند و در برابر موفقیت هر شکلی از برخورد اصلاحی قرار خواهد گرفت و با اهداف پرویشن یا کارآموزی مراتبی ناسازگار است، زیرا چنین شیوه‌های سازنده‌ای برای موفقیتشان به طور گسترده‌ای به ایجاد روابط حسنه مابین شخص مجرم و مقام اجراکننده وابسته‌اند و اگر اصلاح و درمان با کتک زدن شروع بشود این رابطه حسنه ایجاد نخواهد شد و اگر یک حکم کارآموزی بعد از یک محکومیت به تنبیه بدنی با یک هدف جداگانه‌ای به آن ضمیمه شده باشد بسیاری از مجرمان رنجیده و غیرمشارکت جویانه با محکومیت دوم برخورد خواهند کرد.

برخی از طرفداران وضع دوباره کیفر شلاق اعتقاد داشتند که این مجازات بر کیفر حبس یا محکومیت با کارآموزی در دارالتأدیب مرجح می‌باشد به این دلیل که خیلی زود به انتها خواهد رسید [اجرای سریع] ننگ کمتری را باقی خواهد گذاشت و مجرم را به معاشرت با افراد بدسرشت و مجرم [در زندان] مجبور نخواهد کرد [جلوگیری از اثر جرم‌زای زندان]، اما شورا با تحمیل محکومیت حبس طولانی به خاطر فرصتهایی که برای اصلاح درمان به وجود می‌آورد و به خاطر این که در مدت طولانی احتمالاً مجازات تأثیر خوب و ثابتی می‌تواند داشته باشد، موافق می‌باشد.

قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۴۸ که به وسیله آن تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی الغاء گردید، مقرراتی را به منظور معمول سازی بسیاری از شیوه‌های جدید اصلاح و درمان بویژه برای مجرمان جوان بر مبنای اصول مدرن وضع نمود. در تئوری، دادگاهها امروزه زنجیره وسیعی از ابزارهای برخورد را در اختیار دارند که می‌توانند از

آنها استفاده نمایند، شیوه هایی که به نظر می‌رسد بیشترین شانس اصلاح را به مجرمان می‌دهند. اما بنا به دلایل متعددی این شیوه‌های جدید هنوز توسعه پیدا نکرده‌اند، کمبود مراکز نگهداری مجرمان یکی از دلایل عدم توسعه است که دادگاههای بسیاری هیچ مرکز نگهداری برای مجرمان در اختیار ندارند، در حالی که قضاتی که این شیوه برخورد را اعمال می‌کنند از مشکلات زیادی، در تأمین محل خالی برای جوانی که از این شکل برخورد سود خواهد برد، رنج می‌برند. در نتیجه می‌توان گفت شرایطی را که در هنگام الغای تنبیه بدنی در نظر گرفته شده بود هنوز به آن نایل نشده‌ایم. هنگامی که شیوه‌های اصلاحی به همان نسبتی که آنها را در نظر گرفته‌اند، توسعه پیدا کردند، تقاضاها برای وضع دوباره تنبیه بدنی ممکن است خیلی کمتر از چیزی باشد که در حال حاضر وجود دارد.

۴ - ملاحظات علمی

اگر تنبیه بدنی به عنوان مجازاتی قضایی دوباره وضع گردد، مشکلات عملی و دشواریهایی در ارتباط با اجرای آن به وجود خواهد آمد. بدون تردید مشکلاتی می‌توانند غالب شوند، بنابراین طریقه اجرای چنین مجازاتی را باید مورد توجه قرار دهیم، اگر تصمیم گرفته شود که وضع دوباره آن ضروری و برای منافع عمومی جامعه مطلوب است، به عقیده شورا ملاحظات عملی عامل مهمی است که باید در تصمیم‌گیری بر روی وضع دوباره تنبیه بدنی مورد توجه قرار بگیرند، بنابراین ما نیز آنها را به طور مختصر در ذیل بحث می‌نماییم.

دادگاهها

دادگاهها کار روزانه شان را در تشعشع تبلیغی کامل انجام می‌دهند، این امر می‌تواند در برخی جنبه‌ها پسندیده باشد، اما گریزناپذیر است. هر اختلافی مابین مجازاتهای تحمیلی توسط دادگاههای متفاوت به خاطر ارتکاب جرایم مشابه اغلب مورد مخالفت و انتقادات قرار می‌گیرد. اگر تنبیه بدنی دوباره وضع گردد، برخی دادگاهها به طور مکرر به

این کیفر حکم خواهند داد در حالی که سایر دادگاهها ممکن است هرگز چنین کاری را انجام ندهند.^(۱) چنین تفاوت آرایه حتی ممکن است بین شعب مختلف یک مجتمع کترسشنس که در یک زمان و مکان واحد به قضاوت نشستند، وجود داشته باشد. تفاسیر اجتناب‌ناپذیر عمومی درباره تفاوت آراء می‌تواند برای اجرای عدالت مضر باشد و به عقیده شورا چون هیچ راه حل عملی برای غلبه بر این مشکل وجود ندارد، این مشکل لاینحل، دلیل دیگری در مخالفت با وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی می‌باشد.

تصمیم‌گیری راجع به شایستگی مجرمان برای دریافت تنبیه بدنی

در پاراگرافهای قبلی گزارش دلایلی را مبنی بر این که اشخاص مختلف در برابر تحمیل تنبیه بدنی قضایی با شیوه‌های متفاوتی واکنش نشان خواهند داد و این که اگر تنبیه بدنی سهواً بر شخص مجرم تحمیل گردد منتهی به صدمه شدید و دائمی می‌تواند بشود، ارائه دادیم. این مسأله بدین معناست که برای دادگاهها اعمال مراقبت بیشتر در تصمیم‌گیری راجع به این که آیا این مجازات را تحمیل کند یا نه، اساسی است. به هر حال از آنجایی که احتمال آسیب دیدگی مجرمان عمده به شخصیت آنها بستگی دارد که به سهولت قابل شناسایی و تشخیص نیست، دادگاهها به مساعدتهای مهارتی و مشورتی قبل از محکومیت به تنبیه بدنی قضایی احتیاج دارند.

اما در مورد این مسأله که چه کسی یا نهادی باید گزارشی از وضعیت پزشکی افراد قبل از محکومیت به تنبیه بدنی قضایی به دادگاهها بدهد، عده‌ای بر این عقیده‌اند که گزارشهای عادی که توسط اداره پرویشن به دادگاهها داده می‌شود معمولاً کفایت می‌کند. اما شورا به این نتیجه رسید که اغلب ادارات پرویشن احساس دشواری شدیدی خواهند نمود در پاسخ به اظهار عقیده راجع به شایستگی مجرم برای دریافت تنبیه بدنی قضایی، به دلیل این که قویاً با این نوع کیفر مخالف هستند.^(۲)

۱- این مسأله به دلیل اختلاف نظری بود که در مورد وضع دوباره کیفر شلاق بین قضات دادگاههای مختلف وجود دارد و این امر در نظریات اتخاذی شورا از آنها مشهود است. (م)

۲- انجمن ملی ادارات پرویشن که منعکس کننده نظرات حدود ۸۵٪ از اعضای خدمات پرویشن در بریتانیای کبیر است، رأی‌گیری را از اعضای خود درباره این موضوع که آیا آنها موافق یا مخالف وضع دوباره

همچنین در ارتباط با مشاوره روان‌پزشکی نیز باید گفت که اکثر آنها از مشاوره دادن به دادگاهها دربارهٔ موضوع فوق اکراه دارند، عمدهٔ به خاطر این که غالباً تحمیل تنبیه بدنی قضایی را اساساً به عنوان یک اشتباه تلقی می‌کنند. علاوه بر این اعضای شورا مطمئن هستند که تشخیص احتمال آسیب‌دیدگی دائمی که به خاطر تحمیل کیفر شلاق به وجود می‌آید حتی برای روان‌پزشکهای با تجربه در این زمینه، تکلیف فنی دشواری است. چنین مشاوره‌هایی همچنین نمی‌تواند بدون بررسی کامل و مشاهده شخص مجرم داده شود که معمولاً زمان قابل ملاحظه‌ای را از دادگاهها به خاطر تکمیل تحقیقات خواهد گرفت.

مشکل تأخیر

سیاری از مردم اظهار کرده‌اند که بزرگترین ایراد برای استفاده از تنبیه بدنی قضایی تأخیری است که به طور اجتناب‌ناپذیری مابین ارتکاب جرم و اجرای مجازات اتفاق می‌افتد. آنها استدلال می‌کنند که تنبیه بدنی به هیچ وجه مؤثر نخواهد بود، بویژه نسبت به مجرمان جوان، مگر فقط زمانی که به سرعت اجرا بشود. برخی دیگر این نظریه را قبول ندارند و معتقدند که مسأله تأخیر فقط استرس بالایی داشته است؛ آنها با این نظر که تأخیر اجرای مجازات امری نامطلوب است موافقت، اما بر این عقیده‌اند که تأخیر از تأثیر تنبیه بدنی نمی‌کاهد و باید تنبیه بدنی به عنوان یک مجازات باید پذیرفته شود. در واقع چند تن از طرفهای مکاتبه شورا معتقدند که مجازات به واسطه طولانی کردن تأخیر تأثیر زیادی خواهد داشت برخی حتی تا جایی پیش می‌روند که پیشنهاد می‌کنند بهتر است کیفر شلاق در فواصل زمانی مختلف بیشتر از یک دورهٔ زمانی اجرا شود.

عوامل متعددی می‌تواند در تأخیر اجرای مجازات سهمیم باشد، برخی اوقات این تأخیر ممکن است قبل از این که مجرم دستگیر شود روی دهد ولی زمان بیشتر قبل از

تنبیه بدنی قضایی هستند یا نه به عمل آورده است. از میان اشخاصی که رأی داده‌اند (حدود ۷/۸۵ از اعضا در انگلستان و ولز) ۸۶۱ نفر (۸۹/۷٪) مخالف این مجازات بودند در حالی که ۱۰۰ نفر از اعضا از وضع دوباره آن حمایت کرده‌اند.

این که او برای محاکمه به دادگاه آورده شود، سپری می‌گردد، بویژه اگر او باید به محکمه جنایی یا کتر سشنس اعزام گردد. سپس تأخیر بعدی ممکن است قبل از تعیین حکم به واسطه اختیاری که به روان‌پزشک [برای بررسی شایستگی مجرم برای دریافت تنبیه بدنی] داده می‌شود، ایجاد گردد، نهایتاً، مدتی را باید برای تجدیدنظرخواهی اختصاص داد و اگر تنبیه بدنی همان طور که در حمایت از آن ادعا شده است، مجازاتی ارباب‌انگیز است، در این صورت پرونده‌های کمی را می‌توان پیدا کرد که از آنها تقاضای تجدیدنظرخواهی نشده است. بنابراین، روی هم رفته احتمال دارد چندین هفته از زمان ارتکاب جرم تا زمان اجرای مجازات سپری شود. شورا بر این عقیده است که تأخیر یک ایراد عملی بسیار جدی نسبت به تحمیل تنبیه بدنی قضایی می‌باشد.

ماهیت و اجرای تنبیه بدنی قضایی

سه سؤال مهم در ارتباط با ماهیت و اجرای تنبیه بدنی مطرح خواهد شد: اول) چه نوع یا شکلی باید برای اجرای آن پذیرفته شود؟ دوم) تحت چه شرایطی می‌تواند تحمیل گردد؟ سوم) چه کسی باید آن را اجرا نماید؟

الف - انواع تنبیه بدنی

در گذشته دو نوع تنبیه بدنی قضایی شامل ترکه زدن^(۱) و شلاق زدن با نوعی تازیانه^(۲) وجود داشت. ترکه‌زنی فقط برای اطفال استفاده می‌شد، اما برای مجرمان بزرگسال دادگاهها نسبت به استفاده از هر یک از اشکال فوق مخیر بودند. در دوره دهساله قبل از الغای تنبیه بدنی قضایی، ترکه زدن بخش زیاد و گسترده‌ای از کل محکومیت‌های به تنبیه بدنی را دربر می‌گرفت و از تازیانه به ندرت استفاده می‌شد.

برخی از افراد برای شورا نامه نوشته‌اند، که «تازیانه» باید دوباره برای بزرگسالان به طور کلی یا برای جرایم بسیار شدید قابل استفاده باشد. اما اکثریتی بیان نموده‌اند که با این امر مخالف اند و فقط خواهان متوسل شدن به ترکه زنی هستند. علت اصلی برای

1-«Bricking»

2-«flogging With the cat-o'- nine-tails»

ترجیح ترکه زدن این است که تازیانه مجازاتی بی‌رحمانه است و احتمالاً منجر به این خواهد شد که افرادی که این کیفر را دریافت می‌کنند به عنوان «فدائیان»^(۱) تلقی گردند. از سوی دیگر نظر داده‌اند که ترکه زدن کمتر سببانه است و احتمالاً سبب می‌گردد که دریافت‌کننده آن مورد استهزاء قرار بگیرد و بنابراین شرمسار شود.

کمیته کادگان هیچ تفاوت اساسی مابین ترکه زدن و شلاق زدن با تازیانه به عنوان مجازات‌هایی که نسبت به اشخاص بالای ۱۶ سال تحمیل می‌شوند ارائه نکرده است و نظر داده‌اند که در هر واقعه‌ای اولی غالباً - اگر نگوئیم کاملاً - به همان نسبت دومی دردناک می‌باشد، استدلال‌هایشان در مخالفت با ابقای تنبیه بدنی به طور مشابهی هر دو نوع را در برمی‌گرفت و شورا هیچ مدرکی به دست نیارود تا نتایجی را که آنها گرفته‌اند، قبول نکند.

ب - شرایطی که تحت آنها تنبیه بدنی اعمال می‌گردد

یکی از دلایل اصلی که در مخالفت با وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی اظهار کرده‌اند این مسأله است که شرایطی که تنبیه بدنی در آن اجرا می‌شود، ناشایست و خفت‌بار است. با وجود این استدلال فوق به وسیله اغلب آنها که طرفدار این کیفراند با این استدلال که آنها هیچ چیز ناشایست و خفت‌بار در آن یا در اجرای تنبیه بدنی قضایی نمی‌بینند، رد گردیده است.

برای آگاهی از شرایطی که به موجب آن تنبیه بدنی قضایی اعمال می‌شود شورا دو پاراگراف از گزارش کمیته کادگان را که شرح می‌دهد تحت چه شرایطی تا سال ۱۹۴۸ تنبیه بدنی قضایی (شلاق) نسبت به بزرگسالان و اطفال اجرا می‌شده است، عیناً بیان می‌کند:

«بزرگسالان»

«محکومی که مستحق تنبیه بدنی است به دستگاهی معروف به سه گوش یا تسمه

۱- «Martyrs» به نظر می‌رسد منظور شورا این است که به علت خشونت بیش از حد نسبت به مجرم در اجرای کیفر تازیانه، ممکن است موجب برانگیخته شدن احساس ترحم در افراد جامعه شود و او را نوعی قربانی یا فدائی تلقی کنند. (م)

بسته می‌شود که بهترین توصیف برای آن نوع سنگین و بسیار محکم سه پایه‌ای است که برای حمل و نقل تخته سیاه در کلاس درس از آن استفاده می‌شود. پایه‌های شخص مجرم به پایه‌های جلوی سه گوش و با تسمه بسته می‌شود. زمانی که شلاق زده می‌شود دستهایش بالای سرش قرار داده می‌شود و با تسمه به قسمت فوقانی سه گوش بسته می‌شود. زمانی که قرار است به او ترکه زده شود، در خمیدگی بالایی مکان نرم مابین پایه‌های جلوی سه گوش قرار می‌گیرد و دستهایش به صورت به هم چسبیده به وسیله تسمه به پایه‌های عقب سه پایه بسته می‌شود. در هر دو مورد او به وسیله کرباسی پوششی، پوشانده می‌شود طوری که نتواند مأموری که مجازات را اجرا می‌کند، ببیند. ترکه به سرتاسر کپلها بر روی بدن برهنه زده می‌شود. تازیانه نیز به سرتاسر پشت بر روی بدن لخت چنان که در قسمت انتهایی تیغه راست کتف فرود بیاید، زده می‌شود. و هنگامی که تازیانه زده می‌شود کمربندی چرمی دور کمر و گردن‌بندی چرمی دور گردن زندانی برای محافظت این قسمت‌ها از هرگونه آسیبی که ممکن است از یک ضربه منحرف شده ناشی شود، بسته می‌شود. هم در ترکه زدن و هم در شلاق زدن، رئیس زندان و مأمور پزشکی زندان باید در تمام مدتی که تنبیه بدنی اجرا می‌شود، حاضر باشند. مجازات توسط یک مأمور زندان که توسط رئیس زندان به همین منظور انتخاب گردیده است، اجرا می‌شود. رؤسای زندان همیشه مراقبند تا برای این وظیفه مأموری با تجربه و مقاوم را انتخاب نمایند، فردی که می‌توان به او برای اجرای بی‌طرفانه این مجازات اعتماد نمود. این مأمور فوق‌العاده حقوقی مخصوص، ۲ دلار و ۶ سنت به خاطر انجام این وظیفه دریافت می‌کند. ضربات در مدت زمان اختیاری زده می‌شود - نرخ عادی از ۱۰ یا ۱۵ ضربه در هر دقیقه بیشتر نیست - و ضربات در زمانی که زده می‌شود به وسیله رئیس مأموران زندان شمرده می‌شود. مأمور پزشکی زندان در جایی می‌نشیند که بتواند زندانی را ببیند، او اختیار کامل و خاص برای متوقف ساختن اجرای کیفر را در هر زمانی که او ملاحظه نماید ادامه اجرای کیفر نامطلوب است، دارد. اگر اجرای مجازاتی متوقف شد بقیه آن بخشیده می‌شود. در پایان اجرای مجازات مرهم‌گذاری

موضعی اعمال می‌گردد و مأمور پزشکی هر درمانی را که ضروری است انجام می‌دهد. در عمل فقط در وضعیت‌های خیلی نادر زندانیان به مواظبت و حضور مأمور پزشکی نیاز دارند و موارد بسیار نادری وجود داشته است که زندانی قادر نبوده بدون مساعدت به سلولش برگردد.»

«اطفال»

مجازات معمولاً در یک سلول انفرادی یا اتاقی خصوصی که هر دو در درون محوطه دادگاه یا در مجاورت مرکز پلیس هستند اجرا می‌شود. [نشانگر عدم اجرای علنی تنبیه بدنی. (م)] ترکیه به سراسر کپلها بر روی بدن برهنه زده می‌شود. معمول‌ترین شیوه پذیرفته شده، خواباندن طفل بر روی نیمکت یا میز است....»

ممکن است ایراد شود که هیچ نیازی به این همه تشریفات نیست و این دستگاهها و سایر ابزار نگهداری که در بالا توصیف گردیدند، غیر ضروری هستند. ایجاد برخی تغییرات شاید ممکن باشد، اما شورا تردید دارد که آیا رویه‌ای که در گذشته دنبال شده است می‌تواند امروزه به طور محسوسی متفاوت باشد. نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که فردی که مجازات را اجرا می‌کند نسبت به دریافت کننده ناشناخته است، برخی ادعا کرده‌اند که این موضوع یک مزیت است، اما شورا معتقد است که این مسأله یک ایراد جدی است به خاطر این که هیچ رابطه مستمری مابین طرفین وجود ندارد و رنجش لمس شده به وسیله دریافت کننده به جای این که بر روی یک فرد متمرکز گردد، به سمت حاکمیت سوق داده می‌شود.

ج - چه کسی باید تنبیه بدنی را اجرا کند؟

عقاید طرفهای مکاتبه و شهود شورا دقیقاً نسبت به این موضوع دشوار که چه کسی باید تنبیه بدنی قضایی را نسبت به اشخاصی که به چنین مجازاتی محکوم شده‌اند، اجرا نماید از هم تفکیک شده‌اند. اغلب آنهایی که اعتقاد داشتند به این که وظیفه فوق باید به پلیس داده شود عمدهً بدین دلیل بود که معتقدند هیچ جایگزین قابل توجهی وجود ندارد. همچنین آنها بر این عقیده‌اند که این امر بدین دلیل مرجح است که سبب افزایش،

حفظ و تقویت اقتدار پلیس می‌شود. برخی دیگر نظر متضادی داده‌اند و معتقدند که اگر این وظیفه به پلیس داده شود منجر به بدتر شدن روابط بین پلیس و مردم خواهد شد. به دلیل مسأله فوق و نیز به خاطر این که این وظیفه برای آنها نفرت برانگیز می‌باشد، [پلیس قویاً مخالف هرگونه ارتباط با اعمال تنبیه بدنی قضایی می‌باشد]؛ همان طوری که این مسأله را اتحادیه مأموران پلیس مرکز برای نشان دادن همراهی دسته جمعی مأموران پلیس نسبت به این موضوع برای ما بیان نمود (در پاراگراف ۱۷ گزارش).

پیشنهاد دیگر این بود که این کیفر باید توسط مأمور زندان اجرا شود. خواه تنبیه بدنی با یک محکومیت مراقبتی از هر نوع همراه باشد یا نه، ایرادات عمده‌آتهایی که با نظر فوق مخالف بودند این بود که این کار منجر به بدتر شدن روابط فعلی مابین مأموران زندان و زندانی خواهد شد و اگر مأموران زندان به داشتن این وظیفه معروف شوند، بر کار اصلاحی پذیرفته شده در زندانی تأثیر متضادی می‌تواند داشته باشد و در حمایت از نظر اخیرالذکر غالب رؤسای اعضای خدمات زندان سهیم بودند و همچنین مأموران زندان معتقد بودند تنبیه بدنی (به جز در جرایم علیه زندان) نباید در هر اوضاع و احوال به وسیله اعضای خدمات زندان اجرا بشود.

پیشنهاد دیگری که به وسیله افراد کمی مطرح شده بود استفاده از مأموران پرویشن برای وظیفه فوق بود. اعضای سرویس پرویشن مشابه اعضای سایر خدمات ذکر شده، به اتفاق آراء نظر دادند که آنها نباید برای انجام این وظیفه دعوت شوند. شورا پیشنهاد فوق را با عنوان یک پیشنهاد غیرقابل اجرا تلقی نمود. مأموران پرویشن مددکاران اجتماعی هستند و چنین وظیفه‌ای با عملکرد تخصصی شان [که همان اصلاح مجرمان است. (م)] ناسازگار می‌باشد.

یکی از پیشنهادهای دیگر که در ارتباط با مجرمان جوان ارائه شده است این بود که اگر به موجب وظیفه، سرپرستی و نظارت بر اطفال ضروری است، والدین باید ملزم به اجرای این کیفر شوند اما این پیشنهاد آشکارا غیرعملی و به همان نسبت در اصل قابل ایراد می‌باشد، والدین را نمی‌توان به وسیله قانون برای تنبیه کردن فرزند ملزم ساخت و

نمی‌توان هیچ ضمانت اجرایی را برای او تحمیل کرد اگر از انجام چنین کاری خودداری نمایند.

شورا نهایتاً از در نظر گرفتن راهی که بر این مشکل غلبه نماید عاجز شده است و به نظر می‌رسد هیچ سرویس مناسب و قابل قبولی برای سپردن این وظیفه به آن وجود نداشته باشد. و ایرادات بدیهی و جدی نسبت به استخدام افراد خاصی برای اجرای تنبیه بدنی نسبت به مجرمان محکوم شده حتی برای دوره‌های محدودی، وجود دارند.

۵- نتایج

با بررسی نظریات اظهار شده و دلایل موجود، شورا به این نتیجه رسید که یافته‌های کمیته کادگان هنوز معتبر هستند و تنبیه بدنی نباید به عنوان مجازاتی قضایی نسبت به همه جرایم و مجرمان دوباره وضع گردد.

غالب استدلالها و ملاحظاتی که سبب گردید شورا به این نتیجه برسد در قسمت‌های مختلف این گزارش بحث شده است، شورا بر این عقیده است که اگر توضیح مختصری در اینجا درباره دلایلی که ارزش بیشتری برای شورا داشته‌اند، ارائه بدهد، مفید و مناسب باشد.

اول: بدیهی است که شکاف قابل ملاحظه‌ای بین عقاید موجود، درباره این مسأله که آیا تنبیه بدنی قضایی باید دوباره وضع بشود یا نه، نه تنها در بین مردم عادی، بلکه همچنین در بین اشخاصی که به واسطه علم و تجربه شان بهتر می‌توانند در این مورد اظهار نظر نمایند، وجود دارد. همچنین اختلاف قابل ملاحظه‌ای مابین نظریات آنهایی که مخالف وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی اند و آنهایی که با آن موافقت نسبت به جنبه‌های خاص مسأله فوق‌الذکر وجود دارد. با وجود این بین مخالفین وضع دوباره، تا اندازه‌ای بر روی این نکته که وضع دوباره این کیفر گامی قهقرایی می‌باشد، توافق وجود دارد. بسیاری از مردم تصور می‌کنند که تنبیه بدنی تا پیش از الغاش به وسیله قانون عدالت کیفری ۱۹۴۸ برای طیف وسیعی از جرایم قابل استفاده بود و این که به همان نسبت فقط

دوازده سال از زمانی که این قانون تصویب شد، سپری گردیده است و تلقی نمودن الغای تنبیه بدنی قضایی به عنوان تجربه و تصمیمی که ناموفق بوده است، امروزه کاملاً معقول می‌تواند باشد، مقررات باید الغاء شوند [یعنی مقرراتی که تنبیه بدنی را الغاء نمودند باید تغییر یابند و این کیفر بازگردانده شود. (م)] در واقع بین سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۹۴۸، این کیفر برای یک سری جرایم محدودی قابل استفاده بود و در عمل فقط برای بزرگسالان به خاطر ارتکاب سرقت توأم با خشونت استفاده می‌گردید. با وجود این حامیان وضع دوباره تنبیه بدنی نمی‌خواهند این کیفر را به جرایم مشابه [آنچه در گذشته برای آن اعمال می‌شد] محدود کنند، بلکه خواهان این هستند که تنبیه بدنی برای همه جرایم، یا هر نوع جرمی که متضمن خشونت علیه اشخاص باشد- بویژه جرایمی که توسط جوانهای شرور و اوباش صفت ارتکاب می‌یابند- قابل استفاده باشد. اگر آنچه می‌خواهند انجام شود بدین معنی خواهد بود که ما نه به دوازده سال قبل بلکه به صدسال پیش برمی‌گردیم.

دوم: درخواست فعلی برای وضع دوباره تنبیه بدنی به نظر می‌رسد محدود به کشور ما (انگلستان) می‌باشد. سایر کشورها که آن را کنار گذاشته‌اند تمایلی برای وضع دوباره آن نشان نمی‌دهند، اگر چه بسیاری از آنها با مشکلاتی مشابه با آنهایی که در اینجا وجود دارد مواجه شده‌اند. وضع دوباره تنبیه بدنی قطعاً به وجهه کشور ما به عنوان کشوری که در استفاده از شیوه‌های آموزنده و روشنگر برخورد کیفری، یک پیشگام می‌باشد، ضربه می‌زند.

سوم: ما به این نتیجه رسیدیم که در این اوضاع و احوال، وضع دوباره تنبیه بدنی قضایی می‌توانست موجه باشد فقط اگر تضمینی معقول مبنی بر این که وضع دوباره آن به طور اساسی میزان جرم را کاهش خواهد داد و حمایت واقعی برای بزه‌دیدگان بالقوه می‌باشد، وجود داشت. شورا بر این عقیده است که چنین تضمینی هرگز نمی‌تواند وجود داشته باشد. هیچ دلیل مبنی بر این که تنبیه بدنی یک تأثیر خاص بازدارنده هم بر افرادی که آن را دریافت می‌کنند و هم بر سایرین دارد، وجود ندارد. شورا این موضوع را

که در تعدادی از موارد تنبیه بدنی هم برای مجرمانی که آن را دریافت می‌کنند و هم برای سایر مجرمان بالقوه بازدارنده خواهد بود، تأیید می‌کند لیکن همین حرف می‌تواند در مورد اشکال مختلف کیفرهای طاقت فرسا و شدید که مدت طولانی است به خاطر جریحه‌دار کردن وجدان جامعه مدنی الغاء شده‌اند، گفته شود. شورا معتقد است که بازدارندگی احتمالی موردی کیفر برای توجیه وضع دوبارهٔ شکلی از مجازات که مضرات متعددی دارد و آنها را در قسمتهای مختلف این گزارش آوردیم، کافی نمی‌باشد.

چهارم: تنبیه بدنی قضایی از همسویی با شیوه‌های کیفری مدرن عاجز است و برابر موفقیت برخوردهای اصلاحی نظیر پرویشن با کارآموزی در دارالتأدیب خواهد ایستاد. پنجم: بسیاری از ابزارها و شیوه‌های جدید در نظر گرفته شده توسط قانون عدالت کیفری ۱۹۴۸ هنوز به طور کامل اجرا نشده‌اند و آنها در آینده نزدیک به طور زیادی گسترش پیدا می‌کنند. بویژه بسیاری از مراکز نگهداری قابل استفاده ایجاد شده است. بنابراین، این امر به زودی به این نتیجه نایل خواهد شد که این شیوه‌ها و سایر شیوه‌هایی که معمول گردیده است برای حل مشکلاتی که منجر به تقاضای وضع دوبارهٔ تنبیه بدنی گردیده‌اند، کافی هستند.

ششم: تعدادی ایراد عملی و دشواریهایی (که به تفصیل در قسمت ۴ بحث کردیم) وجود دارند که دلایل مخالف وضع دوباره تنبیه بدنی را تقویت می‌کند. یکی از مهمترین ایرادات عملی تأخیری است که بین ارتکاب جرم و تحمیل مجازات اتفاق می‌افتد. این امر می‌تواند بویژه برای مجرمان جوان مضر باشد.

شورا به وسیله این استدلال تحت تأثیر قرار گرفت که بازدارندگی بیشتر از ارتکاب جرم به خاطر ترس از کیفر نیست، بلکه قطعیت مجازات و شناسایی و کشف سریع مجرم عامل بازدارنده مهمی در جلوگیری از ارتکاب جرم است و به این امر فقط می‌توان به وسیله تدارک پرسنلی کامل و نیروی پلیسی پر بازده یا کارا در همه مناطق، نائل شد.